

بحث تفسیری

سوره مبارک ۴۵

یس (۶)

انبیا سال زدیرس تفسیر مجرم حجج الاسلام امیر

اذا رسلنا اليهم اثنين فكدبوها فمزنا بثالث فقالوا انا اليكم مرسلون

در این آیه شریفه جریان آمدن رسولان خدا بشهر انطاکیه بیان میشود و خداوند متعال میفرماید که ما دو پیغمبر برای مردم انطاکیه فرستادیم ولی مورد تکذیب واقع شدند ما نیز پیغمبر دیگری بسمت آنان کسبیل داشتیم، پیغمبران گفتند ای مردم یقین بدانید که ما بر شما مبعوثیم در اینجا باید عدالت ارسال دو پیغمبر را در وهله اول و پیغمبر ثالث را در مرحله دوم دانست پروردگار جهان در نهاد بشر دو قوه و نیرو که مشوق و سوق دهنده بسوی سعادت و نیکیها باشند قرار داده است. یکی از این دو نیرو بنام عقل نظری نامیده میشود و فکر انسان را در درک حقایق و تمیز بین حسن و قبح راهنمایی میکند و دیگری که بنام عقل عملی خوانده میشود مامور است انسان را عملاً پیرو نیکیها ساخته از زشتیها و پلیدیها دور کند. این دو نیرو پیوسته دست بدست هم داده از راه فکر و عمل انسان را وادار بارتکاب کارهای سزاوار و شایسته و پسندیده مینمایند. در برابر این دو قوه بساطنی رحمانی، لشکر واهمه شیطانی نیز بیکار نمانده در دل صلح اغوا و اقرباب انسان است یعنی همانطور که دو نیروی فکری و عملی رحمانی انسان را وادار باعمال نیک مینمایند جنود واهمه شیطانی نیز بشر را به پستیها و ذائل سوق میدهند. در این نبرد شدید که بین جنود رحمت و لشکر اهریمن در گیر است انسان به یک نیروی سوم رحمانی احتیاج مبرم پیدا میکند تا مبادا قوای عقل منکوب و مغلوب جنود شیطان گردد. این نیروی سوم رحمانی همان پیغمبر است. وقتی پیغمبر در محیط خارج بشر را بسمت خدا و حقیقت دعوت میکند قوای درونی رحمانی انسان تقویت میشود و با کمال سرعت نیروی شیطانی را مجبور به عقب نشینی مینماید و در برابر حملات آن سخت ایستادگی خواهد کرد. این رویه جنگ بطنی انسان است با نیروی اهریمنی باطن و در عالم ظاهر و محیط خارج نیز اغلب چنین است یعنی انبیا و رسولان حق نیز به تنهایی در اجتماعات به تبلیغ نپرداختند. پیغمبران خدا همیشه

با یاوران و مددکارانی که کاملاً مورد اطمینان و وثوقشان بودند به نبردستمکاران و جباران و منحرفین از جاده انسانیت پرداختند. حضرت موسی بن عمران علی نبینا وآله وعلیه السلام هنگامیکه مامور برانداختن کاخ بیدادگری فرعون گشت پیروردگار عرض کرد: خدایا اگرچه من از حیث فکر و عقل نظری قوی و در میان این اجتماع فاسد در راه تو و ترویج حقایق ایستادگی خواهم کرد لیکن چون برادرم هرون از من فصیح تر است و جنبه عقل عملی را تقویت خواهم کرد لذا با دستیاری او بهتر خواهم توانست که مردم را از انحراف باز داشته بسمت تو دعوت کنم خداوند نیز هرون را برای تقویت بازوی حضرت موسی بن عمران با او همراه کرد و این دو پیغمبر بزرگوار توانستند در برابر جنود کفر و زندگه و ستم ایستادگی کنند. حضرت عیسی بن مریم ع نیز با عده‌ای از حواریین و کمک آنان توانست مردم جاهل و نادان را بسمت خدا دعوت کند پیغمبر اسلام با دستیاری حضرت علی علیه السلام یعنی آن مرد توانای با اراده توانست مقاصد عالیه خود را بجامه خود خواه و نادان بفهماند و هکذا سایر انبیا و دعاة الی الله. هنگامیکه در شهر انطاکیه دو رسول خدا یعنی دو قوه رحمانی از جانب خداوند بنشر حقایق پرداختند قوای اهریمنی یعنی عناصر جاهل و خیر سر نیز باغفال مردم مشغول و با تکذیب انبیاء چرخ تبلیغاتشان را میخواستند از کار بیاندازند اینجا بود که پروردگار برای سست نمودن و تقویت این دو پیغمبر و ایستادگی آنان برابر جنود کفر، پیغمبر ثالثی را بدان شهر اعزام فرمود و با فرستادن پیغمبر سوم قوای رحمانی قوت گرفت و در برابر تکذیبهای خیره سران، با کمال شهامت گفتند: ما از جانب خدا بر شما مبعوثیم و از تکذیب و عناد شما نیز نمی هراسیم بلکه همچنان به تبلیغ خود ادامه خواهیم داد.

قالوا ما انتم الا بشر مثلنا و ما انزلنا من السماء سلطانا شیعیان ان انتم الا تکذبون

انسان بر اثر حب جاه هیچگاه نمیتواند تحت سیطره و تسلط شخص دیگری واقع شود، حتی الامکان با اراده دیگران میجنگد و میخواهد مستقل زندگی کند و سایه هیچ حکومتی بر سر او افکنده نشود گو اینکه چه بسا ممکن است پس از مغلوبیت بزندگی تحت الحمایگی عادت کند و حاکمیت دیگران را از لوازم زندگی خود بداند لیکن ابتداء هیچکس حاضر به قبولیت و حاکمیت دیگران نیست و چون آزادی خود را در خطر به بیند برای مبارزه آماده میشود و حتی اگر در روزهای اول بقیام طرف مقابل بانظر سطحی و بی اعتنائی نگریست و خواست با خونسردی مهاجم به آزادی را نابود کند بی شک چون او را در این حمله سرسخت و مقاوم دید بر علیه او اقدام جدی بعمل خواهد آورد. مدعیان نبوت (ریاست الهیه) اگر چه در روزهای اول تبلیغ ممکن است با خونسردی و بی اعتنائی مردم روبرو شوند ولی همینکه ایستادگی کردند و در رسالت خویش

و دعوت مردم بسمت خدا مقاومت کردند بی شبهه با مبارزه مردمیکه آزادی مطلق و انجام کسینتگی خود را در معرض محدودیت می بینند مواجه خواهند شد .

مردم انطاکیه در روزهای اول با کمال خونسردی و بی اعتنائی به تکذیب پیغمبرانی که برای هدایت و نجاتشان از بی بند و باری آمده بودند پرداختند و گفتند شما پیغمبر اوستید ولی وقتی بر تعداد مدعیان پیغمبری افزوده شد و دیدند که این مدعیان با نهایت استقامت به تبلیغات پرداخته اند سخت بتکاپو و فعالیت افتادند و هر روز با سخنان تازه ای برای خنثی کردن تبلیغات آنان به هیاهو و جنجال پرداختند در روز اول به پیغمبران گفتند شما هم مثل ما اید و فرقی با ما ندارید (ان انتم الا بشر مثلنا) یعنی همانطور که ما جز بمادیات نظر به چیز دیگری نداریم و همه کوششهای ما برای فراهم ساختن وسائل خوشگذرانی و لذات مادی است شما هم از این سخنان و هیاهو جز ریاست و فراهم کردن مال و منال و رسیدن به آرزوهای شهوی هیچ نظری ندارید منتهی وسیله رسیدن باین مقصد را ادعای نبوت و رهبری معنوی مردم قرار داده اید انما الاختلاف فی الشبکات . لیکن چون دیدند این حربه کارگر نیست لجاجت را بالاتر برده سخن درشت تری گفتند یعنی منکر اصل نبوت شدند و گفتند اصلا ارسال رسل و بعثت انبیا دروغ است و خداوند هیچکس را بعنوان نبی نمی فرستد (وما انزل الرحمن من شیئی) تمام این سخنان برای فریب ما است والا نبوت و انزال کتب یعنی چه ؟

چون این ضربه هم کارگر نشد و با این سخن نتوانستند پیغمبران را ازارشاد و بیان حقایق منصرف سازند دامنه تهمت را وسیعتر کرده گفتند شما جز دروغ هیچ هویت و سرمایه ای ندارید (ان انتم الا تکذوبون) این جمله دلالت بر نهایت تکذیب و شدت مبارزه دارد زیرا از مردمیکه بزرگترین اسلحه اشان صدق و راستی است سلب راستگویی کردن و جز دروغ هیچ سرمایه ای برای اوقاٹل نشدن منتهای سرسختی و مبارزه است . مردم انطاکیه از پیغمبران سلب تمام حیثیات کردند جز دروغ و باید دانست که این تهمت را از روی جهل و نادانی نزدند بلکه بانهایت دقت و شعور گفتند زیرا کسیکه مدعی نبوت و دیانت که از امور قائمه بروح است اگر در این ادعا دروغگو باشد معلوم میشود جز دروغ اصلا هویتی ندارد چون صفات قائمه بروح غیر از اعمال خارجی است . اگر کسی صاحب حرفه و صنعتی دروغگو باشد ربطی به هویت روحی او ندارد لیکن اگر در یک امر روحی کذب و دروغ داشته باشد این شخص جز دروغ حیثیتی نخواهد داشت . مردم انطاکیه در مبارزه اخیر خود متوسل باین حربه شدند و گفتند شما ای مدعیان نبوت و پیغمبری ، جز دروغ هیچ ندارید و سرمایه ای جز دروغ برای شما نیست .

« این قبیل سخنان همیشه بمردم دانشمند و داعیان الی الله گفته میشود . »